



۲۰۱۸/۰۷/۲۳

ولی احمد نوری

یازدهمین سال رحلت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه
پدر دیموکراسی افغانستان و بابای ملت
(۱۳۱۳-۱۳۵۳ش) - (۱۹۳۳-۱۹۷۳م)

به نام آنکه کلمه را آفرید



تصویر فرخنده اعلیحضرت محمد ظاهرشاه در هجرت با کتاب "خاطرات افغانستان" در آغوش

یازده سال قبل روز دوشنبه اول اسد ۱۳۸۶ هجری شمسی مطابق ۲۳ جولای ۲۰۰۷ میلادی، افغانستان یکی از بهترین فرزندان خود را که شایسته ترین، عادل ترین، مهربان ترین و ملت پرورترین پادشاه این کشور در قرون اخیر بوده، از دست داد. روان شان شاد باد و یاد شان برای قرون متمادی در دل های ملت افغانستان گرامی و جاویدان باد و نام شان در تاریخ کشور مشعشع.

ای چرخ بسی لیل و نهار آوردی
مردان جهان را همه بُردی به زمین
گه فصل خزان و گه بهار آوردی
نامردان را، بر سر کار آوردی
(۱)

۱- این بیت از "ابو سعید ابوالخیر" است که از مجله وزین "درد دل افغان" شماره (۶۶) اپریل ۲۰۰۶ اخذ گردیده است.

بلی این پادشاهی که بیش از چهل سال بر سر ملت ما سایه رحمت خدائی بود و برای تاریخ ما وارث تاج آریائی بود، یازده سال است که ظاهراً میان ما نیست ولی در دل و دماغ هر فردی از ملت افغان زنده و جاویدان است.

رفتی و وطن هنوز در خون رفتی و هنوز جنگ برپاست
رفتی و وطن اسیر دشمن مردم به شکنج ظلم اعداست
(۱)

جایگاه این فرزند نکو و فرخنده افغانستان، اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، هنوز خالی است خاصناً در این حالت بحرانی و پاشانی وطن و قحط الرجالی و فقدان رهبر ملی و دلسوز در کشور. غیابت و نبود چنین یک رهبر و چنین پیشوایی را می توان یک ضایعه بزرگ و یک فاجعه اجتماعی خواند.
بلی یاد پادشاهی را که تقریباً نیم قرن کشور و مردم ما را در صلح و آرامش نگهداشت و به ما درس آنرا داد که: باید گرامی دانست و به روح پر فتوح او درود بی پایان فرستاد.

ای خوش آن ملت که دایم سر نهد در راه صلح زندگی را وقف کردن به، در راه صلح
حق به قرآن گفته "صلح بهتر بود در زندگی" کن اطاعت امر حق را گرتوئی آگاه صلح
هر کجا جنگ است آنجا تیرگی و غم بود میکند روشن جهان را گر بتابد ماه صلح
قصر و کوتی کی بود با جنگ و کینه خوشنما بوریا انداز و ساکن شو تو در خرگاه صلح

شاهی و جنگ و جدال باهم نزیبید جان من

همچو ظاهرشاه همان بهتر که باشی شاه صلح

(۳)

در یکی از جشن های تولدی این پادشاه عادل و عارف و آگاه کشور، استاد خلیل الله خلیلی افغان ملک الشعراى افغانستان چه خوش سروده بود(۴) :

گر گویم عمرت از هزار افزون باد قولیست خطا
ور گویم کاخ دشمنت واژون باد این نیست دُعا
امید من آن است که در روز جزا در پیش خدا
نامت به شمار عادلان مقرون باد این است بجا

برای مؤرخین واقعی و واقع بین و نویسندگان صادق و با وجدان افغانستان طلب جرئت و صداقت می نمائیم که قلم بردارند، دل های خود را محکمه شهود حق بسازند و به دور از کینه ها، عقده ها و جعل کاری ها، بر همه زوایای زندگی دولتی، اداری، عاطفی، شخصی و به یک سخن انسانی این شخصیت ممتاز و والای مشروطیت اخیر افغانستان روشنی بیاندازند تا واقعیت ها برای تاریخ و آیندگان ثبت گردد و حقایق، آنچنانی که لازم است در جایگاه خود قرار گیرد و حق این بزرگ مرد تاریخ وطن به درستی ادا شده باشد. به قول حافظ شیراز که گفته است:

بر این فقیر، نامه آن محتشم بخوان با این گدا حکایت آن پادشاه بگو

۲- این بیت از یک شعر زنده یاد محمد رفیق شمعریز گرفته شده که در سال ۱۹۸۹ به مناسبت مرگ پدرش سروده است.

۳- این چند بیت از یک غزل جناب محمد صدیق "حیا" شاعر خوش قریحه کشور گرفته شده.

۴- این قطعه از خامه سحر استاد سخن خلیل الله خلیلی ملک الشعراى افغانستان نقش شده است

و یا چون زنده یاد استاد خلیل الله خلیلی افغان فریاد کشند که:

ای سایه رحمت خدائی تو وارث تخت آریائی
تاریخ نگار باستانی فرهنگ شناس عصر و آنی
معمار بزرگ این کهن کاخ پیوند جوان این کشتن شاخ
ای رمز گشای دهر، ای شاه ای از روش زمانه آگاه
ای مرجع آرزوی ملت ای شاه فرشته خوی ملت
تاریخ چو دادگاه باشد اعمال در آن گواه باشد
ای شاه به محضر زمانه آثار تو باد جاودانه
فر تو، بر این دهد گواهی
درویشی و تاج پادشاهی

نه چون مؤرخان آماتور و کذائی که همه مسایل و رویداد های تاریخی و ملی کشور را بنا بر عقده ها، خصومت ها، نا آگاهی ها و بر مبنای خواست دشمنان وطن، وارونه جلوه می دهند و حقایق را تحریف می کنند. من از همه نویسندگان وطن پرست و قلم بدستان با وجدان مجدانه تقاضا می کنم قلم بردارند و بر همه گوشه های زندگی این پادشاه بزرگ، عادل و ترقی خواه کشور بنویسند و نوشته های شانرا به وبسایت ملی و با حیثیت آریانا افغانستان آنلاین بفرستند تا با نشر آنها ذهنیت ها روشن گردد و قضاوت ها سالم. من ایمان دارم که سایت آریانا افغانستان آنلاین به همه نوشته ها و مقالاتی که در این باره مواصلت کند، ولو بر نارسائی ها و اشتباهات دوران سلطنت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه انگشت گذاشته باشند، مشروط به اینکه عفت قلم مراعات شده باشد و در برابر این شخصیت ملی و بزرگ بی احترامی صورت نگرفته باشد، نشر کرده و به سینه تاریخ می سپارند.

غزلسرای محبوب کشور ما میرمن "ماه رخ نیاز" در بهار ۲۰۰۲م مژده حرکت موبک اعلیحضرت را بعد از سالیان مهاجرت به طرف وطن به مردم خود چنین نوشت :

مژده بتو، ای ملت، ظاهر افغان رسید
نغمه عشرت زینید، در تن ما جان رسید
باد بهاران وزید، دشت و دمن گل دمید
بابای افغان ستان همچو بهاران رسید
بیوه و ایتام ما گشته ز غم ها رها
نور امیدی کنون، در شب اینان رسید
در پی اعمار ملک کاش شود مرد و زن
حال که معمار این کشور ویران رسید
شکر خداوندی اش به که بجا آوریم
آب ز جو رفته باز طرف گلستان رسید



شاعر فرهیخته افغانستان " ملک الشعراء جناب استاد محمد نسیم اسیر فریادی دارد به مناسبت توطئه های از خود و بیگانه خاستاً رهبران جهادی و ایادی ایشان در لویه جرگه اضطراری کابل که به اثر آن بابای ملت که شایسته جایگاه زعامت افغانستان را داشت، کنار زده شد و فریاد ملت افغانستان که یگانه آرزوی شان برگشت پادشاه به مقام زعامت بود، در گلو خفه گردید:

وا از آن آهی که در دل زد گره، جوشی نکرد
گوی در میدان خود خواهی و بد خواهی زدند
خنجر از آختند و بر حقیقت تاختند
کارها بسیار شد، اما نشد کاری بجا
جست و جو کردیم از بیگانگان رمز وفاق
ما بکار خویش حیران و پریشان مانده ایم
در تلاش اخذ جاه و کرسی و عز و مقام
خصلت نیکوی "بابا" در خور تکریم بود
وا از آن اشکی که موج قطره شد، دریا نشد
بر سر چوگان امید آنچه می شد و نشد
التیام زخم بی درمان خون، پالا نشد
آنچه آخر شد بجا، بر آرزوی ما نشد
در نفاق انداختند و در وفاق اصلاح نشد
این گره بکشوده از سر پنجه دنیا نشد
دیگری شد پیشگام، آخر چرا "بابا" نشد
حرمت "بابا" نشد، بی جا نشد، بی جا نشد
حیف از آن شوری که بر لب آمد و بالا نشد
حیف از آن سوزی که پنهان سر زد و پیدا نشد

ولی دریغا و دردا که امروز "بابا" دگر به جاویدان پیوسته است و در میان ما نیست و جا دارد با مروارید های شاعر گرانمایه افغانستان ملک الشعراء استاد "محمد نسیم اسیر در هجرت" فریاد کنیم که:

دگر آن بهاران نخواهیم یافت
از آن باغ، برگی نخواهیم چید
دگر بزم مستان نخواهیم دید
گزارای گر افتد به کابل زمین
چو گور سیاه است تاریک و تار
دد و دیوی چندی شده روی کار
ازین میز بانان درنده خوی
بُود پله قوم داری بلند
به فرمان قرآن عدالت کنند
گر این پیشتاز مسلمانی است!!
رئیس و امیر آمد و رفت، حیف
چمن را چراغان نخواهیم یافت
درختی شگوفان نخواهیم یافت
جم و جوش یاران نخواهیم یافت
به جز شهر ویران نخواهیم یافت
کسی شادمان و خندان نخواهیم یافت
دریغا که انسان نخواهیم یافت
توجه به مهمان نخواهیم یافت
توازن به میزان نخواهیم یافت
عدالت؟ به قرآن نخواهیم یافت
کسی را مسلمان نخواهیم یافت
که دوران "سلطان" نخواهیم یافت
به این تند گوئی؛ به کابل "اسیر"
ترا جز به زندان نخواهیم یافت

و یا شاعر زیبا کلام کشور ما جناب "محمد یونس واعظی" از روز گاران سعادت و خوشبختی وطنش یاد می کند و ناله می کند که "یاد ایامی که با تدبیر شاهی داشتیم"

یاد ایامی که ما هم عز و جاهی داشتیم
بود بین ما و یاران شیوه صدق و صفا
از هجوم لشکر اشغالگر پرخشم روس
تا که دل بستیم بر ملا از بد شد بتر
شهر ویران گشت و ناموسها برباد رفت
خانه و کاشانه رفت از دست ما سوی فنا
نی غمین بودیم و نی روز سیاهی داشتیم
دستگیری ها بهر شام و پگاهی داشتیم
نقش خونین در وطن با اشک و آهی داشتیم
زان مظالم ما به ذات حق پناهی داشتیم
ما زغم سیلاب اشک و رنگ کاهی داشتیم
زندگانی در مغاک و پرتگاهی داشتیم
کی ز خاطرها رود آن دوره امن و امان
یاد ایامی که با تدبیر شاهی داشتیم

ایکاش استاد سرآهنگ زنده می بود تا برای ماتم فقدان بزرگمرد اعلیحضرت پادشاه وطن پرور و موسیقی دوست افغانستان، با درد می سرود. او که در هنگام مهاجرت اجباری این سلطان عادل می خواند که:

سوخته لاله زار من رفته گل از کنار من
بی تو نه رنگم و نه بو ای قدمت بهار من

<https://www.youtube.com/watch?v=٤s-GNep-LVc>

آیا امروز چه می سرود؟

ایکاش بلبل موسیقی افغانستان احمد ظاهر امروز زنده می بود تا برای ماتم مرگ بابای ملت فریاد می کرد. او که در هنگام هجرت اجباری پادشاه هنر دوست ما بعد از کودتای ۲۶ سرطان، می سرائید که :

ای پادشاه خوبان، داد از غم تنهائی
دل بی تو بجان آمد، وقت است که باز آئی

<https://www.youtube.com/watch?v=vuDjLVHz٦٢s>

این آهنگ احمد ظاهر را به کمک لینک بالا بشنوید و به روان آن شهید راه عشق وطن درود بفرستید. و فیلم مستند زندگی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه جنت مکان را در عالم مهاجرت در ایتالیا که توسط عتیق رحیمی نویسنده عالی مقام افغان و هنرمند فرهیخته عالم سینما که فردا ۲۳ جولای (روز رحلت اعلیحضرت بابای ملت) در صفحه اول «آریانا افغانستان آنلاین» انداخته می شود، تماشا کنید و نظرات تان را در مورد آن مرد بزرگ تاریخ افغانستان بیطرفانه و خالصانه بنگارید.



نوٹ:

فیلم زنده و تاریخی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه بنیانگزار و پدر دیموکراسی در افغانستان را که نویسنده با حرمت و فیلم ساز صاحب نام کشور جناب عتیق رحیمی

ترتیب نموده، فراموش نکنید!

در صفحه نخست

آریانا افغانستان آنلاین

<https://www.youtube.com/watch?v=٤s-GNep-LVc>